

تحلیل اشعار عاشورایی عصر انقلاب اسلامی

تاریخ دریافت: ۹۱/۸/۱۵

تاریخ تأیید: ۹۲/۲/۲

۲۲۹

مرضیه محمدزاده *

چکیده

بررسی دوره‌های شعر عاشورایی به اجمال - از عصر عاشورا تا عصر پهلوی - بخش نخستین این مقاله می‌باشد. پس از آن ویژگی‌های شعر عاشورایی عصر انقلاب و عناصر موجود در سروده‌ها بحث و بررسی می‌شود. اشاره به قالب‌های گوناگون شعر عاشورایی و سپس نقد و بررسی تحریفات و نمونه‌های تحریف، بخش دیگر این مقاله است. نگارنده در پایان پس از ذکر برخی مسائل جعلی، وهن‌آمیز و دروغ در نوحه‌ها و مرثیه‌ها، راهکارهایی را برای سروده‌ها و مرثیه‌ها پیشنهاد می‌دهد.

واژگان کلیدی: شعر عاشورایی، محتوا، قالب‌ها، تحریفات.

* محقق و مؤلف دانشنامه جهان اسلام (mohammadzadeh37@yahoo.com).

مقدمه

عاشورا به روز دهم ماه محرم اطلاق می‌شود و در فرهنگ شیعیان، روزی است که امام سوم آنان با خاندان و اصحاب خود در مصافی نابرابر به دست خلیفه وقت - یزید فرزند معاویه - به طرز وحشتناکی قتل عام گردیدند. این حادثه تلخ چنان تأثیری بر فرهنگ و ادب مسلمانان در کشورهای اسلامی باقی گذاشت که خود باعث پدید آمدن نوعی نثر و نظم به نام عاشورانگاری و عاشوراسرایی گردید. ورود حماسه کربلا به حیطه شعر و ادب، یکی از عوامل ماندگاری آن نهضت بوده است. در زبان عربی دقیقاً از عصر عاشورا، این واقعه عظیم به شعر راه یافت؛ ولی در ادبیات فارسی به دلیل تأخیر در رواج مذهب شیعه در ایران از قرن چهارم هجری و همزمان با تأسیس دولت آل بویه می‌توان نمونه‌هایی نه‌چندان درخشان از شعر عاشورایی یافت. در فاصله میان قرون ششم تا هشتم هجری، شعله‌های تابناکی از مراثی مذهبی در شعر فارسی شاهدیم. قرن نهم را باید دوره شکفتگی شعر مذهبی فارسی و به خصوص اشعار عاشورایی دانست. قرن دهم آغاز روی کار آمدن دولت صفویه و رسمیت یافتن مذهب شیعه در ایران است. قسمت مهمی از شعر فارسی را مدایح و مراثی اهل بیت علیهم‌السلام تشکیل می‌دهد. در شعر معاصر ایران سه دوره مشروطه، پهلوی و انقلاب اسلامی از یکدیگر قابل تفکیک‌اند. انقلاب مشروطه در همه مراتب اجتماعی و فرهنگی جامعه به ویژه ادبیات اثر گذاشت. شعر عاشورایی نیز هم از نظر ساختاری و هم از جهت غنای محتوایی از شعر مشروطه تأثیر پذیرفت. در دوره پهلوی شعر عاشورایی جایگاه بلندی ندارد؛ ولی به دلیل حمایت توده مردم از این نوع

ادبیات و بهره‌برداری سیاسی از واقعه عاشورا، باعث پدیدآمدن آثار ادبی - حماسی گردید و از سال ۱۳۵۰، فضای تازه‌ای در اشعار عاشورایی باب شد و عاشورا تقریباً با همه ابعادش در هیئت یک فرهنگ در روزگار ما مطرح شد. پیوند عمیق مضامین و مفاهیم شعر با فرهنگ و نمادهای اسلامی، به‌کارگیری مضامین عاشورایی و موضوع شهادت و شهادت‌طلبی به سروده‌ها، عمق و غنای بیشتری می‌بخشد و پیوند آن را با فرهنگ عاشورا افزون‌تر می‌سازد. در این عصر شعرا به سوی هدف اصلی عاشورا بازگشتند و امروز دگرگونی چشمگیری در شعر عاشورایی به وجود آمده است؛ ولی متأسفانه در اشعار شاعران معاصر تحریف‌هایی نیز در انگیزه‌ها، اهداف، چهره‌های حماسه‌ساز و برنامه‌های مربوط به عاشورا انجام شده است. در این مقاله به تحلیل این اشعار می‌پردازیم.

عاشورا به روز دهم ماه محرم اطلاق می‌شود و در فرهنگ شیعیان، روزی است که امام سوم آنان - نواده رسول/الله ﷺ - با خاندان و اصحاب خود در مصافی نابرابر به دست خلیفه وقت - یزید فرزند معاویه - به طرز وحشتناکی قتل عام گردیدند. دلیل این جنایت اسفبار، بیعت نکردن امام حسین ﷺ با یزید بود که او را به دلیل اعمال ناشایست و ضداسلامی، منحرف می‌دانست. این واقعه به دلیل عمق جنایت و وجود شاهدان، ناظران و وقایع‌نگاران در هر دو سپاه و اهمیتی که مردم برای حرمت‌شکنی از خاندان پیامبر اسلام قائل می‌شدند، در تاریخ زنده ماند و حسین ﷺ به عنوان مظهر آزادگی و نماد ایستادگی در برابر ظلم و ستم، به زودی الگوی مبارزان در راه حق و حقیقت گردید.

این حادثه تلخ چنان تأثیری بر فرهنگ و ادب مسلمانان در کشورهای اسلامی باقی گذاشت که خود باعث پدیدآمدن نوعی نثر و نظم به نام

عاشورانگاری و عاشوراسرایی گردید. اصلی‌ترین قالبی که برای بیان جنایات امویان در روز عاشورا و پایداری و مقاومت حسین بن علی علیه السلام و یاران باوفای او و به ماندگاری و تازگی این نهضت کمک شایانی نمود، نظم و شعر بود.

دوره بیست‌ساله حکومت معاویه و فشار سختی که در این دوره بر شیعیان وارد شد، مجالی نداد تا شاعران علوی اندیشه‌های خود را در قالب کلمات موزون بریزند؛ ولی فاجعه محرم سال ۶۱ هجری و استخفافی که خاندان ابوسفیان و به دنبال آن آل مروان به دین و خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله نمودند، باعث شد پس از مرگ یزید، زبان مرثیه‌سرایان آل رسول صلی الله علیه و آله گشوده شود. ورود حماسه کربلا به حیطه شعر و ادب، یکی از عوامل ماندگاری آن نهضت بوده است؛ زیرا قالب تأثیرگذار و نافذ شعر و مرثیه، میان دل‌ها و حادثه عاشورا پیوند زده، احساسات و عواطف علاقمندان را به آن ماجرا وصل کرده است. ادبیات عاشورایی از غنی‌ترین ذخیره‌های فکری و احساسی شیعه است. از سوی دیگر، حماسه کربلا در زبان شعری شاعران تأثیر نهاده، آن را پُربار ساخته است.

در زبان عربی دقیقاً از عصر عاشورا، این واقعه عظیم به شعر راه یافت و نخست کسانی که در صحنه حاضر بودند، در قالب شعر رثایی (مرثیه) تألمات درونی خویش را بیان نمودند؛ بنابراین نخستین شاعرانی که در زبان عربی به ساختن مرثیه پرداختند، بازماندگان این واقعه هولناک بودند. تاریخ از حضرت زینب علیها السلام و رباب علیها السلام همسر امام حسین علیه السلام به عنوان نخستین سراینده‌گان نام برده است (ر.ک: بلاذری، ۱۳۹۷، ج ۳، ص ۳۱۱ / نویری، ۱۳۶۵، ج ۷، ص ۲۰۰). با ورود کاروان اسرا از عرصه کربلا به شهرهای مهم آن روز مثل کوفه، شام و مدینه و بیانات افشاگرانه آنان از عمق جنایتی که بر اهل بیت علیهم السلام رسالت روا شده بود،

شور و ولوله‌ای خاص در نهاد هر مسلمان حتی آنان که حسین علیه السلام را دشمن خود می‌پنداشتند، نهاد. تجری مردم در برابر حاکمان عصر و قیام‌های متوالی و سرانجام سرودن مرثیه‌های سوزناک، بازتابی از این واقعه عظیم در جامعه اسلامی آن روز بود. از قرن اول هجری تاکنون در ادبیات عرب، ادبیاتی به نام ادب طف به وجود آمد که شاعرانی از طبقات گوناگون جامعه و با گرایش‌های فکری گوناگون در رثای آن امام مظلوم طبع‌آزمایی کرده‌اند؛ شاعران ناموری چون کمیت اسدی، سید/اسماعیل حمیری، دعبل خزاعی، منصور نمری و... که در هر قرن مشعل حمایت و جانبداری از آن نهضت عظیم را فروزان‌تر به قرن بعد منتقل نمودند. شاعرانی که در اوج خفقان امویان و عباسیان، دار بر دوش، آواره شهرها و کوی‌ها این رسالت عظیم را بر جان خریدند و بسیاری از آنان در این راه به شهادت رسیدند.

در ادبیات فارسی به دلیل تأخیر در رواج مذهب شیعه در ایران از قرن چهارم هجری و همزمان با تأسیس دولت آل بویه می‌توان نمونه‌هایی نه‌چندان درخشان از شعر عاشورایی یافت. شاعرانی که آغازگر مرثیه‌سرایی در ایران بودند، از سرزمین‌های شمال و شرق این کشور که به نام خراسان بزرگ نامیده می‌شد، برخاستند. سبک شعری آنان به همین دلیل سبک خراسانی نام داشت که با دوران حاکمیت غزنویان تا اوایل سلجوقیان در ایران مقارن بود (این سبک از اواسط قرن سوم تا پایان قرن پنجم هجری در ایران رواج داشت). از شاعران مطرح این دوره کسایی مروزی و ناصر خسرو را می‌توان نام برد. نخستین شاعر مرثیه‌گوی عاشورایی پارسی‌زبان، حکیم کسایی مروزی (م. ۳۹۴ق) است. قصیده مسمط او کهن‌ترین سوگنامه ماجرای کربلاست:

دست از جهان بشویم، عزّ و شرف نجویم مدح و غزل نگویم، مقتل کنم تقاضا
 میراث مصطفی را، فرزند مرتضی را مقتول کربلا را، تازه کنم تولا
 آن میر سربریده، در خاک و خون تپیده از آب ناچشیده، گشته اسیر غوغا

(کسایی مروزی، ۱۳۷۰، ص ۴۸)

در فاصله میان قرون ششم تا هشتم هجری، شعله‌های تابناکی از مراثنی مذهبی را در شعر فارسی شاهدیم. سبک شعری رایج در این دوره، سبک عراقی است که با دوران سلجوقیان در ایران مقارن می‌باشد. شاعران مطرح این دوره، سنایی، قوامی رازی، عطار نیشابوری، سیف فرغانی، خواجوی کرمانی و سلمان ساوجی هستند؛ ولی قدیم‌ترین غم‌سروده‌های مذهبی در وصف کربلا و کربلائیان در شعر قوامی رازی شاعر شیعه مذهب اوایل قرن ششم هجری نمایان است (صفا، ۱۳۶۳، ص ۱۹۵)؛ اگرچه به سبب تعصب شدید سلاطین وقت به مذاهب گوناگون تسنن و سرکوب شیعیان، جلوه‌های چندانی از شاعران عاشورایی در فضای شعر فارسی تا پایان سده ششم هجری دیده نمی‌شود و عاشوراسرایی چندان متداول نبوده است.

قرن نهم را باید دوره شکفتگی شعر مذهبی فارسی و به خصوص اشعار عاشورایی دانست. در این دوره شعر فارسی از جهت کمیت و تا اندازه‌ای از نظر کیفیت، ترقی کرد. سرایندگان متعددی در این عصر پدیدار گشتند. شاهزادگان تیموری هم خود مروج شعر و هنر و مشوق شاعران بودند. در این دوره برای ترویج تشیع، موقعیت خوبی فراهم شد و شیعیان نیز از فرصت استفاده کردند و برای ترویج عقاید خود در سراسر ایران پراکنده شدند و دیگر مانند سابق در مراکز و شهرهای خاصی باقی نماندند. بخشی از آثار این دوره

در شرح مناقب حضرت رسول ﷺ و ائمه اطهار^{علیهم السلام} و عاشورای حسینی اختصاص یافته؛ هرچند این اشعار غالباً همراه با غلو در ذکر اوصاف و کرامات پیشوایان تشیع همراه بوده است.

سبک عراقی همچنان در این دوره سبک رایج در میان اشعار شاعران است. از شاعران بزرگ این دوره باید از *عبدالرحمن جامی* و *ابن حسام خوسفی* نام برد. رشد مرثیه‌سرایی در این دوره به اندازه‌ای بوده که *ابن حسام خوسفی* از خود دیوان مستقلی در مرثیه‌پردازی به وجود آورده است. از قرن چهارم تا قرن نهم غالب گونه‌های شعری را قصیده، حماسه و مثنوی تشکیل می‌داده است.

قرن دهم آغاز روی کار آمدن دولت صفویه و رسمیت یافتن مذهب شیعه در ایران می‌باشد. قسمت مهمی از شعر فارسی را مدایح و مرثی‌های اهل بیت^{علیهم السلام} تشکیل می‌دهد. سبک‌های وقوع و هندی به جای سبک پیشینیان محل طبع آزمایی شاعران این دوره است. از شاعران مطرح این دوره *بابافغانی شیرازی*، *وحشی بافقی*، *محتشم کاشانی* و *صائب تبریزی* را می‌توان نام برد. تفاوت شاعران این دوره با دوره‌های پیش در این است که کمتر از راه شاعری امرار معاش می‌نمودند و بیشتر برای اجر اخروی شعر می‌سرودند؛ ولی برآیند سخن همه این سراینندگان بر محور سوگ و ماتم و تسری درد به طبقات جامعه روزگار خود بوده است و هیچ‌یک از آنان از فلسفه قیام امام حسین^{علیه السلام} و نهضت مقدس کربلا سخنی نگفته‌اند و نتوانسته‌اند در اشعار خود ابعاد فاجعه را همچون حماسه‌ای بزرگ ترسیم نمایند. اصلی‌ترین قالب مرثیه‌های این دوره، ترکیب‌بند می‌باشد؛ ولی مثنوی‌سرایی و حماسه‌پردازی نیز همچنان وجود دارد. غزل عاشورایی در این دوره متولد می‌شود.

پس از صفویه، شعر در ایران دچار انحطاط و تنزلی شدید شد تا جایی که شاعران جدید سبکی را در ادبیات فارسی به نام سبک بازگشت ادبی به معنای روی گردانی از سبک هندی و توجه به سبک‌های نخستین چون سبک خراسانی پایه‌گذاری کردند که تا آغاز دوره مشروطه ادامه داشت. از شاعران مطرح این دوره صباحی بیدگلی، صبا کاشانی، نشاط اصفهانی، وصال شیرازی و قاتانی را می‌توان نام برد. قالب شعری در این دوره حماسه‌پردازی، رواج مثنوی، مقتل منظوم، غزل، قصیده، ترکیب‌بند، مسمط و مستزاد می‌باشد. در این دوره نوعی از اشعار مرثیه به وجود آمد که به عنوان نوحه سینه‌زنی معروف گشت و مبدع آن یغمای جندقی از شاعران بزرگ این دوره است.

در شعر معاصر ایران سه دوره مشروطه، پهلوی و انقلاب اسلامی از یکدیگر قابل تفکیک‌اند.

۱. دوره مشروطه

شعر مشروطه از اواخر سلطنت ناصرالدین شاه قاجار شروع و تا اوایل پادشاهی رضاشاه پهلوی ادامه داشت. با صدور فرمان مشروطیت به وسیله مظفرالدین شاه قاجار و تصویب قانون اساسی توسط نخستین مجلس شورای ملی سرانجام رژیم مشروطه در ۲۹ شعبان ۱۳۲۴ هجری قانوناً مستقر شد. انقلاب مشروطه در همه مراتب اجتماعی و فرهنگی جامعه به ویژه ادبیات اثر گذاشت و ادبیات انقلابی متولد شد؛ ادبیاتی با مضامین آزادی‌خواهی و مبارزه در این راه و ضدیت با حکومت استبدادی. شعر عاشورایی، هم از نظر ساختاری و هم از جهت غنای محتوایی از شعر مشروطه تأثیر پذیرفت؛ یعنی به واسطه دگرگونی ساختاری

شعر مشروطه، «زبان» و «فضا»ی شعر عاشورایی نیز تغییر یافت و از لحاظ محتوا به دلیل توجه شعرای این دوره به مقوله‌هایی چون ستم‌ستیزی، آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی، شعر عاشورایی به این مفاهیم ارزشی، رویکردی جدی یافت. معروف‌ترین شاعران این دوره عبارت‌اند از: بهار، ایرج میرزا، عارف قزوینی، فرخی یزدی، نسیم شمال و میرزاده عشقی. حتی در این دوره که دوره عدم گرایش به تصوف است، شاعران عارفی چون صفی‌علیشاه، عمان‌سامانی، و فؤاد کرمانی هر یک دارای دیوانی از اشعار عاشورایی با نگرشی عارفانه‌اند.

۲. دوره پهلوی

رضاخان که در سال ۱۲۹۹ شمسی از آخرین پادشاه قاجار (حمده‌شاه) حکم سردار سپه را گرفته بود، رسماً در سال ۱۳۰۴ شمسی شاه ایران شد. به دلیل سیاست‌های ضددینی وی و پسرش، دوران پهلوی را می‌توان دوره برخورد حکومت با دین و روحانیون در ایران برشمرد. بسیاری از رسوم مذهبی با ریشه‌های کهن توسط حکومت برچیده شد. حتی در ایام محرم، راه‌اندازی دسته‌های عزاداری که با منع حکومت روبه‌رو بودند، اغلب به اغتشاش و درگیری با مأموران می‌انجامید. جنبش تجددخواهی در ادبیات این دوره شکل گرفت که به صورت شعر نو و نثر جدید جایگاه خود را در زبان فارسی یافت. با سقوط رضاشاه و اشغال کشور توسط متفقین در سال ۱۳۲۰ شمسی، فرزند وی به نام محمدرضا بر جای وی نشست. دوران محمدرضا شاه هرچند از نظر اجتماعی عصر ترقی ایران به حساب می‌آمد؛ ولی سیاست‌های فرهنگی او دنباله سیاست اسلام‌زدایی پدرش در قالبی نوین بود. به علت مبارزه حکومت پهلوی

با مظاهر دین، ادبیات این دوره از مضامین آیینی فاصله گرفت. شعر عاشورایی در این دوره جایگاه بلندی ندارد؛ ولی به دلیل حمایت توده مردم از این نوع ادبیات و بهره‌برداری سیاسی از واقعه عاشورا باعث پدیدآمدن آثار ادبی - حماسی گردید. به خصوص پس از قیام امام خمینی در سال ۱۳۴۲ شمسی، نگاه‌های ارزشی و مضمون‌های حماسی و ستیزه‌جویانه به همراه توضیح فلسفه قیام امام حسین علیه السلام در اشعار راه یافت و شاعرانی که چنین اشعاری را می‌سرودند، حبس، شکنجه و تبعید را به جان می‌خریدند. خوشدل تهرانی، نعمت میرزازاده و علی موسوی گرمارودی از زمره شاعران این دوره محسوب می‌شوند.

تا زمان باقی است

می درخشد در ضمیر روشن آفاق

دو گواه جاودان

از خون بیدار علی

و آن پاک فرزند برومندش

فجر: این نور سپید سرخ‌آمیزی که در پایان شب‌ها می‌شکافد سینه مشرق

و شفق: آن پرتو خونین که هنگام غروب آفاق خاور را کشد در خون،

این دو نقش جاودان چون دو گواه زنده بر پیراهن پاک زمان ثبت‌اند

تا که در هنگامه پُرشور رستاخیز

دادخواهی و تظلم را

دست در دامان داد داور رحمان درآویزند

(میرزازاده، ۱۳۸۳، ص ۱۳۲۶)

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های ادبیات معاصر ایران در دوره پهلوی، پیدایش شیوه‌ای نو در شعر و تغییر بنیادین ارکان آن می‌باشد. منشأ این تحول که در

آخرین دهه قرن سیزدهم هجری توسط گروهی از شاعران و علیه قواعد و اصول سنتی شعر فارسی شکل گرفت، با انتشار مجموعه شعر «افسانه» توسط نیما یوشیج بنیان نهاده شد. در اواخر عهد پهلوی، شعر عاشورایی نیز در قالب شعر نو عرض اندام کرد. قالب‌های شعری این دوره شامل ترکیب‌بند، غزل، قصیده، مثنوی، مسمط و مستزاد، چهارپاره، شعر نو، ترجیع‌بند و قطعه می‌باشد. یکی از گونه‌هایی که با مضمون عاشورا پیوند خورد، نثر ادبی بود که از طلابه‌داران آن محمدرضا حکیمی و پرویز خرسند را می‌توان نام برد.

۳. عصر انقلاب اسلامی

عصر خیزش پیاپی تحولات شتابناک و فروریختن معادله‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و تولد جوامع و مکتب‌های تازه است. دگرگونی در نظام‌های حکومتی، باورها و اندیشه‌های تازه‌ای را به میدان می‌آورد که بازتاب ناگزیر آن را در عرصه ادب و هنر نیز خواهیم یافت. شکی نیست که هر انقلاب بر باورها، نظرها و اندیشه‌هایی مبتنی است که بدان هویت و شخصیت می‌بخشند و به همین دلیل هر خیزش و انقلاب، موجی وسیع و گسترده از مضامین و واژه‌ها را با خویش همراه می‌آورد. انقلاب اسلامی، مفاهیم قرآنی، نمادهای روشن و مشخص شیعی و در بیانی کلی‌تر فرهنگ اسلام را به فراخنای شعر کشانید. روح انقلاب و جان‌مایه حرکت مردم، بیش از هر آبشخوری از کربلا و عاشورا سیراب می‌شد؛ ولی بیش از پرداختن به سوگ عاشورا، حماسه شکوهمند آن مطرح می‌شد و مفاهیمی چون آزادگی، ایثار، عدالت، شهادت، مسئولیت خطیر پس از شهادت از رایج‌ترین مضامین شعری بود.

در عصر ما و از سال ۱۳۵۰ شمسی فضای تازه‌ای در اشعار عاشورایی باب شد که پیش از آن به ندرت یافت می‌شد. عاشورا تقریباً با همه ابعادش در هیئت یک فرهنگ در روزگار ما مطرح شد.

۴. عناصر عاشورا در شعر انقلاب

در نهضت عاشورا، چهار عنصر حماسه، پیام، سوگ و عرفان در عالی‌ترین شکل وجود دارد. این عناصر در هیچ‌یک از حوادث تاریخ اسلام، در اوج و گستردگی کربلا دیده نمی‌شوند و در هیچ عصری نیز به روشنی و زیبایی عصر انقلاب در شعر حضور نیافته است. سروده‌های عاشورایی امروز، هم حماسه‌بودن کربلا را ترسیم می‌کنند، هم پیام آن را منعکس می‌سازند، هم سوگ و اندوه آن را باز می‌گویند و هم عرفان بی‌بدیل آن را مجسم می‌سازند (سنگری، ۱۳۸۰، ص ۱۲۶).

۴-۱. حماسه

در تاریخ ادب عاشورایی به‌ویژه شعر، بُعد حماسی کربلا به ندرت تجلی و انعکاس یافته است؛ ولی در سال‌های دهه پنجاه، برخی شاعران مذهبی که گاه رویکردی سیاسی داشتند، به بُعد حماسی کربلا نیز توجه نمودند (تابع، ۱۳۷۰، ص ۹۶).

نازم حسین را که چو در خون خود تپید شیواترین حماسه تاریخ آفرید
دیدنی دقیق باید و فکری دقیق‌تر تا پی برد به نهضت آن خسرو شهید
(تابع، ۱۳۷۰، ص ۹۶)

۴-۲. پیام

در متن حادثه‌ها و لحظه‌های کربلا، درس‌ها و پیام‌های فراوانی نهفته است. پیام کربلا در شعر گذشته فارسی کم‌رنگ بود؛ ولی از چند دهه پیش از انقلاب اسلامی رویکردی در سروده‌های مذهبی به سمت این موضوع دیده می‌شود. تلاش عمده شاعران مذهبی، طرح پیام‌های سیاسی و مبارزاتی کربلا با عناصری از فضیلت‌ها و ارزش‌ها مانند مبارزه، ایثار و فداکاری است.

۴-۳. سوگ

کربلا قصه مظلومیت حق است، مرثیه‌ها، سوگ سروده‌ها، نوحه‌ها و نوشته‌های غمبار درباره کربلا از ابزار انتقال فرهنگ عاشورا بوده است. در تاریخ ادب فارسی، بیشترین سروده‌های عاشورایی تکیه بر همین بُعد کربلا دارد.

روشن آن دیده که هرشب به عزای تو گریست

صبح زد چاک گریبان و برای تو گریست

(مرتضی عصبانی)

(محمدزاده، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۱۴۷۳)

۴-۴. عرفان

یکی از ابعاد کربلا، حضور عرفان و شیفتگی عارفانه در یاران پاکباز و عاشق *اباعبدالله‌الحسین* است. آنان معنای مجسم عرفان بودند. در قلمرو شعر فارسی به بُعد اخلاص و عرفان کربلا اشارات قابل اعتنایی شده است. اشعار سنایی غزنوی، عطار نیشابوری، مولوی، صفی‌علیشاه و عمان سامانی از آن جمله می‌باشند. در عصر حاضر محمدکاظم طوسی، عارفانه به موضوع نگریسته است:

تا شاه عشق کرد هوای لقای دوست بگسست بند مهر دل از ما سوای دوست
با اهل بیت خویش روان شد به کوی عشق تا هرچه داشت جمله برد در منای دوست
(طوسی، ۱۳۶۸، ص ۱۷۷)

۵. تطور محتوایی شعر عاشورایی

عواملی که مستقیماً در تطور محتوایی شعر عاشورایی نقش آشکاری داشته‌اند، عبارت‌اند از: احساس لزوم بازآفرینی در شعر عاشورا، قرائت‌های گوناگون از فرهنگ عاشورا، رویارویی با تهاجم فرهنگی غرب، تأثیر ادعیه مأثوره خصوصاً زیارت عاشورا و دعای کمیل، نقش سروده‌های بیداری و تصنیف‌های مردمی.

۶. قالب‌های شعر عاشورایی

شعر امروز از لحاظ صورت، انواع گوناگونی دارد؛ غزل، قصیده، مثنوی، رباعی، دوبیتی، چهارپاره و قالب‌های شعر نو که متعدد و نامحدودند و شاعر در رعایت وزن و قافیه چندان در تنگنا نیست. در میان قالب‌های شعری، غزل وسیع‌ترین عرصه شعری انقلاب است که با تمام ظرفیت‌ها و استعدادهایش در خدمت ارزش‌ها، باورها و عواطف نسل انقلاب قرار گرفته است. شاعران غزل‌سرای عاشورایی، عرفان و حماسه را درهم آمیختند و با اشاره به اسوه‌های عاشورا، پاکبازی، ایمان، بصیرت و عشقبازی در آن هنگامه بی‌بدیل تاریخی، تصویری بایسته‌تر از کربلا به نمایش گذاردند:

دشت می‌بلعید کم‌کم پیکر خورشید را بر فراز نیزه می‌دیدم سر خورشید را
آسمان گو تا بشوید با گلاب اشک‌ها گیسوان خفته در خاکستر خورشید را
(محمدزاده، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۱۶۲۷)

۱-۶. قصیده

در دوره انقلاب اسلامی، قالب قصیده چندان مورد توجه قرار نگرفت و قصیده‌سرایان جوان در این قالب به نوآوری چندانی دست نزنده‌اند و بیشتر آنان زبان شعری خود را در سال‌های پس از انقلاب یافته‌اند.

۲-۶. مثنوی

یکی از قالب‌های سنتی که در این دوره تحولات بسیار یافت، قالب مثنوی است. ویژگی‌های جدید این قالب آن را از مثنوی دوره‌های گذشته متمایز می‌کند؛ برای مثال، در مثنوی امروز کمتر حکایت به چشم می‌خورد، یا وزن‌های بلند گذشته بی‌سابقه و یا کم‌سابقه است و از غزل نیز در مثنوی استفاده می‌شود. علی معلم - شاعر معاصر - در تطور قالب مثنوی در حوزه شعر مقاومت و شعر عاشورایی نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است.

روزی که در جام شفق، مل کرد خورشید بر خشک چوب نیزه‌ها، گل کرد خورشید
شید و شفق را چون صدف، در آب دیدم خورشید را بر نیزه‌گویی خواب دیدم
خورشید را بر نیزه، آری این چنین است خورشید را بر نیزه دیدن، سهمگین است

(همان، ص ۱۴۵۶)

۳-۶. رباعی

حیات مجدد رباعی، مدیون انقلاب اسلامی است. کوتاهی قالب، کوبندگی وزن و فشردگی مضمون در رباعی باعث شد در روزگار پیش از انقلاب و در سال‌های متمادی جنگ، این قالب اقبال وافر یابد و در بیان نکات حماسی دست‌افزار نخست شاعران قرار گیرد.

کس چون تو طریق پاکبازی نگرفت با زخم نشان سرفرازی نگرفت
 زین پیش دلورا! کسی چون تو شگفت حیثیت مرگ را به بازی نگرفت

(همان، ص ۱۵۱۳)

پیوند عمیق مضامین و مفاهیم شعر با فرهنگ و نمادهای اسلامی، به‌کارگیری مضامین عاشورایی و موضوع شهادت و شهادت‌طلبی، به سروده‌ها عمق و غنای بیشتری می‌بخشد و پیوند آن را با فرهنگ عاشورا افزون‌تر می‌سازد.

۴-۶. دوبیتی

شاید مردمی‌ترین شعر فارسی را بتوان دوبیتی نامید. این قالب خوش‌آهنگ و لطیف که عرصه ساده‌ترین و صمیمی‌ترین احساسات و عواطف انسانی می‌باشد، همخوان و مأنوس با احساسات زلال همگان است. قالب دوبیتی در دوره انقلاب هم‌زمان با رباعی حیات دوباره آغاز کرد. در واقع رباعی و دوبیتی در دوره انقلاب با یکدیگر احیا شدند و رشد کردند و با یکدیگر نیز دوره درخشان خود را پشت سر گذاشتند.

قلم از غم، دلی بی تاب دارد که این تصویر از خون قاب دارد
 گلوی تشنه خون خدا را لب تیغی دریغا آب دارد

(همان، ص ۱۵۲۳)

۴-۵. چهارپاره

چهارپاره یا دوبیتی‌های پیوسته را باید برزخ شعر کلاسیک و معاصر نامید که عمر آن به یک قرن نمی‌رسد و آن را نوگرایان ادبی در قرن حاضر ابداع کردند. آغازگران این شیوه شعری، چهره‌های مطرح مشروطه بودند که از

همان آغاز، این قالب ساده و روان را برای طرح مسائل اجتماعی، تاریخی، سیاسی، عواطف و احساسات گوناگون برگزیدند. در دوره انقلاب، مضامین و مفاهیم برگرفته از فرهنگ اسلام و انقلاب در همان آهنگ نرم و آرام چهارپاره فرصت حضور یافت.

از موفق‌ترین چهره‌های چهارپاره‌سرا می‌توان از یوسفعلی میرشکاک، فاطمه راکعی، حسین اسرافیلی و محمدرضا عبدالملکیان نام برد.

۶-۶. ترکیب‌بند

این قالب شعری که در اشعار عاشورایی قرن هفتم به بعد اقبال چشمگیری داشت، در شعر پس از انقلاب چندان فراوان نیست. ترکیب‌بند در عهد انقلاب، حالت غزل‌های بلند و دارای میانوند را از دست داد و به صورت ترکیب‌بندهای کوتاه مربع و مسدس ارائه شد. علی‌انسانی از کسانی است که به عنوان سراینده ترکیب‌بند در عصر انقلاب از او می‌توان نام برد.

۶-۷. شعر نو

با حضور نیما، شعر پارسی در لفظ و معنا یا به تعبیر دیگر در زبان، بیان و محتوا، تغییری بنیادی یافت. این تحول علاوه بر ضرورت تاریخی و اجتماعی، تجدید حیات و نفس تازه‌کردنی بود برای شعر پیر پارسی. شعر نیما نه تنها جریان تاریخی شعر را در بستری دیگر افکند، بلکه در شعر کسانی که همچنان در طریق سابق راه می‌پیمودند و می‌پیمایند، اثر گذاشت. نیما شعر را از جهت محتوا با مردم پیوند داد و از جهت فنی با برداشتن قید تساوی ارکان و افاعیل در وزن و بازگذاشتن دست شاعر در قافیه، در ساختمان کلی هر شعر تغییرات

اساسی به وجود آورد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در نخستین روزهای جنگ تحمیلی، عمده سروده‌ها در قالب نیمایی و سپید بوده است. عمر شعر آزاد عاشورایی نیز شاید از سه دهه بیشتر نباشد و اهتمام شاعران نام‌آشنا در عرصه شعر نو به مقوله‌های عاشورایی را باید به فال نیک گرفت.

«خط خون» عنوان شعر آزاد عاشورایی است که پیام و فرهنگ عاشورا در آن تموج دارد (خرمشاهی، ۱۳۸۰، ص ۲۱).

درختان را دوست می‌دارم

که به احترام تو قیام کرده‌اند

و آب را

که مهر مادر توست،

خون تو، شرف را سرخگون کرده است

شفق، آینه دار نجابت

و فلق، محرابی، که تو در آن نماز صبح شهادت گزارده‌ای

(خرمشاهی، ۱۳۸۰، ص ۲۱)

۷. نگاه متفاوت به واقعه عاشورا

خاص بودن مضامین و محتواهای «عاشورا و کربلا» در زبان شعر این دوره تأثیر فراوانی گذاشته است؛ یعنی واژگان خاص ماجرای کربلا، نام مکان‌ها، اشخاص و ابزار و آلات جنگ قدیم مثل خیمه‌ها، نیزه‌ها، قتلگاه، ذوالجناح و... دایره واژگان شعر عاشورا را وسیع‌تر ساخت. مجموعه عوامل پیش‌گفته باعث شد تا نگاه به عاشورا با دوران پیش از انقلاب، نگاهی کاملاً متفاوت باشد. این

تفاوت‌ها در چندچیز خلاصه می‌شود: نگاه حماسی به واقعه عاشورا، نگاه سیاسی به واقعه عاشورا، فلسفه‌گرایی در شعر عاشورا، مذمت شاعران مویه‌سرا، عدم انتساب این واقعه عظیم به قضا و قدر، لحن حماسی اشعار، ظلم‌ستیزی، آمیختن حماسه حسینی با حماسه انقلابیون در سراسر سرزمین‌های اسلامی که باعث شده است شعر عاشورایی معاصر، با شعر عاشورایی دوران پیشین تفاوت‌های اساسی داشته باشد.

همچنین شعر انقلاب از فرهنگ عاشورا حول چند محور تأثیر پذیرفته است: تشویق و تهییج رزمندگان جبهه‌های نبرد با الگوگیری از قیام امام حسین علیه السلام، بیان وقایع امروزی و توصیف واقعه‌ها با استفاده از همانندی‌های فرهنگی و انطباق مفهومی، جنبه‌های ادبی همراه با بهره‌گیری از استعاره، تشبیه و تعبیرهای مجازی، استفاده از هماهنگی و هم‌آوایی الفاظ برای قافیه‌ساختن مثل شهید و شهادت.

۸. حضور مفاهیم ارزشی در شعر عاشورایی

پس از انقلاب اسلامی ایران، شعرای ایران‌زمین به ویژه نسل جوان به سوی هدف اصلی مرثیه عاشورایی بازگشتند و امروز دگرگونی چشمگیری در شعر مرثیه به وجود آمده است. فهم این نسل از نهضت حسینی و هدف مقدس آن در آثار شعر سنتی و شعر نو، در ادب فارسی متجلی شده است. شعر عاشورایی امروز از نظر ساختاری و محتوایی تفاوت آشکاری با شعر عاشورایی گذشته دارد. شعر امروز به دلیل تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی، از غنای محتوایی چشمگیری برخوردار است و از نظر ساختاری نیز شاخصه‌های خاص

خود را دارد. جای جای وادی کربلا، تجلی‌گاه مفاهیم ارزشی است؛ مفاهیمی چون شهادت، ایثار، حماسه، عشق، پایداری، فداکاری، عاطفه، کرامت، عزت، ادب، غیرت، مناعت طبع، عظمت روح، جوانمردی، بردباری و... . یکی از تفاوت‌های آشکار شعر عاشورایی امروز با گذشته، به شخصیت‌های عاشورا برمی‌گردد. در گذشته چهره‌ها در شعر محدود بود. شاعران بیشتر درباره امام حسین علیه السلام، حضرت زینب، حضرت ابوالفضل، علی‌اکبر و علی‌اصغر علیهم السلام شعر می‌سرودند؛ ولی اینک شاعران دیگر شخصیت‌های کربلا را نیز در اشعار خود مطرح می‌سازند. محمدرضا سنگری برای جون (غلام ابوذر غفاری)، شهید مطهر کربلا شعر می‌سراید:

آمده بود تا ابوذر را تجربه کند
در دومین ریزه
در کوچکترین جغرافیا
در عظیم‌ترین تاریخ
شمشیر را صیقل می‌داد
تا این ماهی در شط خون‌ها
خوب‌تر شنا کند

(محمدزاده، ج ۲، ۱۳۸۳، ص ۱۴۹۷)

۹. تحریف در شعر عاشورایی معاصر

نهضت عاشورایی امام حسین علیه السلام، اهداف و آرمان‌های مقدس، چهره‌های متعالی و درخشان و انگیزه‌های اجتماعی و سیاسی داشت. آن همه تشویق برای

عزاداری و گریه بر سیدالشهدا برای زنده نگه داشتن مکتب جهاد و شهادت و حفظ ارزش‌ها بود؛ ولی متأسفانه در طول تاریخ، تحریف‌هایی چه در انگیزه‌ها و اهداف و چه در چهره‌های حماسه‌ساز و برنامه‌های مربوط به عاشورا انجام شد. این تحریف‌ها که متأسفانه در شعر معاصر نیز کمابیش دیده می‌شود، ناشی از عدم آشنایی شاعران با تاریخ یا به شخصیت‌های کربلا و غلو در شخصیت آنان، برخورد سطحی و عامیانه به جای تحقیق موشکافانه در این رویداد عظیم، برخورد عاطفی و احساسی با مسلمات تاریخی که ناچار به بیان مطالبی انحرافی و یا وهن نسبت به امام حسین^ع و یارانش را می‌توان از آن استنباط کرد. باید دانست نسل‌های جوان، واقعیت‌ها را درک می‌کنند و هر کلام یا شعر یا عملکردی که با ارزش‌های بنیادین فاصله داشته باشد، آنان را نه تنها قانع نمی‌کند، بلکه مسئله‌دار می‌سازد. اکنون به نقد چند نمونه از اشعار عاشورایی می‌پردازیم؛ ولی به جهت اخلاقی، ذکری از نام شاعر به میان نمی‌آوریم؛ زیرا تنها مسئله‌ای که در اینجا مطرح است، نشان‌دادن ضعف و کاستی‌های شعر عاشورایی معاصر می‌باشد؛ کاستی‌هایی که به تدریج موجودیت آن را تهدید می‌کند.

۱. اطلاق کلمه ناصحیح خون خدا به جای عبارت صحیح ثارالله به امام حسین^ع. ثارالله یعنی کسی که از شدت مظلومیت و تنهایی، خونخواهی جز خداوند ندارد. در زیارت عاشورا و زیارت وارث می‌خوانیم: «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنِ ثَارِهِ وَالْوَتْرَ الْمَوْتُورَ ...: ای کسی که از خون پاک تو و پدر بزرگوارت خدا انتقام می‌کشد و از ظلم و ستم وارد بر تو دادخواهی می‌کند».

نگویمت که رسولی ولیک عین رسولی نگویمت که خدایی ولیک خون خدایی

۲. شاعری از سوزاندن کودکان در آتش خیام می‌گوید، در حالی که با درایت زینب علیها السلام هیچ‌کدام از کودکان چنین آسیب‌هایی ندیدند.
- آتشی در خیمه‌ها افروختند
کودکان بی‌گناه را سوختند
۳. شاعر بزرگ معاصر در ضمن یکی از غزلیات خود، مطلبی غیرواقعی را از زبان شمر چنین بیان می‌کند:
- شمر گوید گوش کردم تا چه خواهد از خدا
جای نفرین هم به لب دیدم دعا دارد حسین
- این در حالی است که حضرت / باعبدالله علیه السلام پس از اتمام حجت، در جریان واقعه و در قتلگاه، کوفیان را نفرین کرد و از خداوند هلاک آنان را خواست (ر.ک: ابومخنف، ۱۳۹۸، ص ۲۵۲-۲۵۳ / طبری، ۱۳۸۲، ج ۵، ص ۴۴۹-۴۵۱ / کوفی، ۱۳۹۵، ص ۹۰۷ / مفید، ۱۳۵۱، ج ۲، صص ۴۵۹-۴۶۳ و ۴۶۵ / نویری، ۱۳۶۵، ج ۷، ص ۱۹۴ / مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۳۵، ص ۳۳).
۴. در اشعار بسیاری از شاعران از افراد یا شخصیت‌هایی در عرصه عاشورا یاد شده است که یا بر طبق متون تاریخ وجود خارجی نداشته، یا اینکه در کاروان امام علیه السلام حضور فیزیکی نداشته‌اند.
- بسیاری از شاعران از حضور حضرت *لیلا* علیها السلام - همسر امام حسین علیه السلام - در روز عاشورا در کربلا خبر داده‌اند، در حالی که واقعیت ندارد.
۵. طرح مطالب ذلت‌آمیز، تعبیرهایی همچون امام *زین‌العابدین* بیمار، امامی که همان روح حسینی و شجاعت علوی را داشت، به امام بیمار شهرت یافت. ترسیم چهره‌ای همیشه بیمار و زنجیر در گردن از وی یکی از ستم‌های تاریخ بر این امام همام است که در افواه و تصور مردم عامی در طول تاریخ وجود داشته و متأسفانه به همین‌گونه نیز در شعر بعضی از

شاعران گرانمایه منعکس گردیده است:

پیکر آزرده بیمار زار کربلا را جز به درد و رنج و محنت مبتلا کردی، نکردی

۶. تعویذ پر جبرئیل برای نظر بسته نمودن امام حسین علیه السلام از چند نظر جای اشکال دارد: اولاً، تشبیه جبرئیل به پرنده؛ ثانیاً، موجودات عالم بالا را چون پرندگان پنداشتن و عالم بالا را به معنای فیزیکی آنکه اختلاف ارتفاع است، تصور نمودن؛ ثالثاً، رواج دادن این اعتقاد خرافی که روح موجود در اشیا می تواند به صورت حصنی افراد را از چشم زخم دیگران در امان دارد که بر خلاف اعتقادات اسلامی می باشد. با رجوع به قرآن مشخص می شود که وقتی رسول الله صلی الله علیه و آله گرفتار شرّی می گردد، خداوند به او توصیه تلاوت معوذتین را می کند و شأن نزول این دو سوره مبارکه (فلق و ناس) نیز همین بوده است. شاعران بسیاری در اشعار خود به این نکته انحرافی توجه نموده اند.

حجاب از پر بر آن خرگاه، جبریل به پیش چشم نامحرم گرفته

۷. تعدادی از شاعران در مدح و منقبت امام حسین علیه السلام تا آنجا پیش رفته اند که آن حضرت را شفیع پیامبران بزرگ الهی قرار داده اند، در حالی که اصولاً این گونه قیاس، قیاسی اشتباه است و نباید پیامبران معصوم علیهم السلام را که از امتحانات الهی سربلند بیرون آمده اند، با اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام مقایسه نمود؛ زیرا در آن صورت ناچار به ترجیح یکی بر دیگری خواهیم شد و این کار فقط از عهده خداوند تبارک و تعالی برمی آید و آن بزرگواران هر کدام جایگاه ویژه ای نزد پروردگار دارند.

ای که با عرض مقام تو شفاعت یافتند یونس و نوح و خلیل و آدم و حوا حسین

۸. مقایسه حضرت زینب علیها السلام که تالی تلو معصوم است، با حضرت مریم علیها السلام که به

صراحت قرآن مجید جزء معصومان و برگزیدگان خداوند است و ترجیح آن بر این نیز از جمله این قیاس هاست:

بانویی کاندر حریم عفت و شرم و وقار مریم پاکیزه دامن حاجب و دربان اوست
 ۹. براساس مستندات روشن تاریخی در شب عاشورا هیچ‌یک از یاران امام حسین^ع از او جدا نشدند، بلکه تنی چند نیز به صف مجاهدان کربلا پیوستند. آنان که به طمع مال، جاه و مقام با امام^ع همراه شده بودند، تا پیش از رسیدن امام به کربلا در منزلگاه زباله، زیوانه از صف آزادگان و یاران خالص امام^ع خود را جدا کردند (ر.ک: طبری، ۱۳۸۲، ج ۵، ص ۳۹۸ / ابن اثیر، ۱۹۶۶، ج ۵، ص ۴۲ / مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۴۴، ص ۳۷۴).

عطش چه بی‌رحمانه آتش می‌بارد

باید چراغ را خاموش کرد

تا چهره مردانگی

روشن شود

در این شعر کلمه عطش، زمان واقعه را نشان می‌دهد؛ زیرا خیمای کربلائیان در شب عاشورا دچار بی‌آبی شده بود.

۱۰. تشنگی از آشکارترین جلوه‌های سوز و غم در حادثه کربلاست. امام^ع و سایر شهدای کربلا لب‌تشنه و عطشان روز عاشورا به شهادت رسیدند. در کربلا عطش بیداد می‌کرد و مشک‌ها خالی، لب‌ها خشک، جگرها سوخته، هوا گرم، راه فرات بسته و صدای العطش بلند بود. بزرگان، بیشتر از کودکان تحمل تشنگی دارند و اطفال در برابر بی‌آبی زودتر بی‌تاب می‌شوند. تشنگی امام^ع و شهدای کربلا چنان داغی بر دل عاشقان حسین نهاده که با هر عطشی کربلا و

عاشورا در ذهنشان تداعی می‌شود. گویا میان آب و عطش و کربلا پیوند خورده است؛ ولی نه در تاریخ یادی شده است و نه کرامت نفس و مناعت طبع امام علیه السلام به او اجازه می‌داد که از دشمن غدار حتی برای کودکان عطش‌زده طلب آب نماید. قیام شکوهمند او برای رسوایی همین چهره پلید و غدار دشمن بود تا نهایت قساوت آنان در تاریخ بماند.

اگر به رغم شما من گناهکار باشم نکرده هیچ گناهی، علی‌اصغر است این

۱۱. براساس حدیثی که در کتاب شریف **بحارالانوار** (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۴۳، ص ۲۸۹) آمده است، میوه‌هایی را جبرئیل در کودکی حسین علیه السلام به آن بزرگواران می‌دهد که سیبی از آن میوه‌ها تا روز عاشورا همراه امام حسین علیه السلام بوده است و حضرت با بوییدن و یا مکیدن آن، عطش سوزناک خود را تسکین می‌داده است و با شهادت آن حضرت، سیب محو می‌شود و در حدیثی از امام سجاد علیه السلام آمده است: «تربت امام حسین علیه السلام بوی سیب می‌دهد». این حدیث هرچند در کتب روایی و تاریخی اولیه اسلامی وجود ندارد؛ ولی نباید به گونه‌ای مطرح شود که تشنگی امام حسین علیه السلام را در صحرای کربلا زیر سؤال ببرد.

گودال قتلگاه پُر از بوی سیب بود تنها تر از مسیح کسی بر صلیب بود

۱۲. یکی از آسیب‌های محتوایی عاشورا طرح مسائل غلوآمیز در اشعار شاعران متأخر و یا معاصر است که خود را حسین‌اللهی، اکبراللهی و یا زینب‌اللهی قلمداد نموده‌اند. قرآن کریم از غلو، نهی می‌کند: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ؛ ای اهل کتاب! در دین‌تان غلو نکنید» (مائده: ۷۷).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز فرمود: «از غلو در دین بپرهیزید. گذشتگان شما با غلو در دین هلاک شدند».

امامان شیعه علیهم السلام شدیدترین برخورد را با غلات داشتند. حضرت علی علیه السلام فرمود: «خدایا من از غلات بیزارم. آنان را تا همیشه خوار کن و هیچ‌کدام از آنان را یاری مکن» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۴۳، ص ۲۸۹).

با این همه انزجاری که اهل بیت علیهم السلام از غلات داشتند، متأسفانه می‌بینیم که همچنان در برخی از اشعار نمونه‌هایی از غلو مطرح می‌شود.

تو به این جمال و خوبی چه به طور جلوه آیی / آرنی بگو به آنکس که بگفت آن ترانی

۱۳. تا پیش از قرن ششم هجری در هیچ‌یک از منابع روایی و تاریخی شیعه ذکری از اینکه مهر یا کابین حضرت زهرا علیها السلام آب و یا نهری باشد، نیامده است. ابن شهر آشوب (م. ۵۸۸ق) نخستین مورخی است که طی حدیثی مفصّل از امام محمد باقر علیه السلام به این مطلب اشاره دارد: «وَجُعِلَتْ نَحْلُهَا مِنْ عَلِيٍّ خُمْسُ الدُّنْيَا وَ ثُلْثِي الْجَنَّةِ وَ جُعِلَتْ لَهَا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةُ أَنْهَارٍ: الْفُرَاتُ وَ نَيْلُ مِصْرَ وَ نَهْرُوانَ وَ نَهْرُ بَلْخِ» (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۳۵۱ / مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۴۳، ص ۱۱۳). براساس این روایت، نه تنها فرات، نیل، نهروان و رود بلخ، بلکه یک پنجم دنیا و دو سوم بهشت نیز مهریه زهرا علیها السلام مرضیه است.

این روایت که از استناد محکم تاریخی برخوردار نیست، بیشتر برای پایین آوردن مقام شامخ علی بن ابی طالب علیه السلام است که خداوند زهرا علیها السلام مرضیه علیها السلام را با مهری بسیار سنگین به عقد امیر مؤمنان درآورده است، در حالی که بنا به گفته کتب معتبر تاریخی، مهر حضرت زهرا علیها السلام همان پانصد درهم می‌باشد.

شاعران متعهد معاصر در اشعار خود به روشنی از آب به عنوان مهریه نام برده‌اند:

در حیرتم بر اهل حرم از چه شد حرام / با آنکه مهر فاطمه بوده‌ست و هست آب

۱۴. آنچه به عنوان عروسی قاسم و آراستن حجله برای او در کربلا مشهور است، واقعیت و سندیت ندارد و از منابع ضعیف به اذهان عوام راه یافته است که به ناکامی نوجوان امام حسن علیه السلام می‌سوزند و می‌گیرند و در شبیه‌خوانی و تعزیه‌ها نیز برای قاسم نوداماد، حجله می‌آریند. بسیاری از شاعران متأخر و یا معاصر از عروسی او در روز عاشورا خبر می‌دهند:

پدرا عروسی قاسم چرا بدل به عزا شد؟ مگر عروس وی از خون به کف خضاب دارد؟
 ۱۵. اعتقاد به شفاعت سیدالشهدا و نیز ثواب‌های فراوان برای اشک‌ریختن بر آن حضرت و همچنین نتایج ارزشمند محبت و ولایت اهل بیت علیهم السلام همه صحیح است؛ ولی این مسائل به گونه‌ای یک‌جانبه مطرح شد که بسیاری از علاقه‌مندان اهل بیت علیهم السلام، تعارضی میان گریستن بر امام حسین علیه السلام و ارتکاب فسق و فجور و زیر پانهادن حق‌الناس و ترک وظایف ندانند و امیدشان به آن حضرت باشد، هرچند غرق گناه باشند!

از آن زمان که شنیدم تو دستگیر منی ز کثرت گنه خویشان، ندارم باک
 ۱۶. اظهار مطالب موهن و تحقیر غیرمطلوب اهل بیت علیهم السلام تحقیری که فقط در دربار پادشاهان ظالم پاداش دارد، در بارگاه امامان معصوم علیهم السلام چیزی جز خواری نیست:

هر کی می‌خواد هرچی بگه من سگ کوی زینیم

اهل بیت علیهم السلام ذلت را برای پیروانشان نمی‌پسندند. آنان نخواسته‌اند که انسان‌ها خود را به صورت حیوان درآورند. آنچه آنان از ما خواسته‌اند، این است که مؤمن صالح باشیم و اخلاق ما اخلاقی باشد که از آن بزرگواران رسیده است.

۱۷. در اشعار بعضی از شاعران امروز، زیاده‌گویی، تکرار مکررات، ترکیبات کلیشه‌ای در انواع قالب‌های شعری، کاربرد صنایع معنوی و غیرعینی، تقلید از آثار دیگران، صبغه ماتمی صرف‌بخشیدن به شعر عاشورا، آگاهی نداشتن نسبت به مسائل روز و... وجود دارد که در صورت پرهیز از آنان، اصلی‌ترین وظیفه شاعر آیینی در روزگار ما که پاسداری از ارزش‌هایی است که مکتب عاشورا آموخته و استمرار حاکمیت مفاهیم ارزشی آن در جامعه، تحقق می‌یابد.

۱۸. نکته دیگر درباره نوحه و نوحه‌خوانی است که هنری بسیار قدیمی می‌باشد و با صوت‌های جلی و آوازهای خوش خویش در قلب و روح مردم ماندگار شده است و به عنوان دربرگیرنده گوشه‌های غنی موسیقی ایران‌زمین، جایگاه ویژه‌ای دارد. نسل‌های امروز دریغ‌مندانه از آن همه آواها و نعمه‌های پُرشور که مردم خوش‌ذوق و عاشق در رثای سالار شهیدان کربلا و خاندان و یاران گرانقدرش سر داده‌اند و هنوز پس از گذشت قرن‌ها، طنین آن جان‌ها را برمی‌آشوبد، بی‌بهره مانده‌اند. بخش اعظم آنچه در قالب نوحه‌خوانی در میان دسته‌های سینه‌زن و زنجیرزن امروز رواج دارد، آواهایی غریب و مغلوب و ریتم‌های تند و غیرجاذب است که هیچ قرابتی با موسیقی دلنشین نوحه و نوحه‌سرایان این مرز و بوم ندارد. بدعت‌گذاری‌های حیرت‌انگیزی که توسط اشخاص و افرادی که نه صدای خوش دارند و نه ذوق مرثیه‌سرایان، در نوحه‌های معاصر صورت گرفته و میراث‌های شکوهمند چندین دهه را زیر سؤال برده است.

نتیجه

شعر عاشورا از آغاز حرکت خود تا قرن‌ها از هرگونه تحول و تغییر خالی بود. نزدیک‌شدن شعر به زبان کوچه و بازار در برهه‌ای از تاریخ و در بخشی از شعر عاشورایی آن را از بلاغت و فنی‌بودن کلام دور ساخت و باعث تنزل شعر تا سطح پسند و فهم مردم گردید. اندیشه جبر و تسلیم در برابر تقدیر، از دیگر تفکرات و اندیشه‌هایی است که در گذشته شعر عاشورایی شایع گردید. شاعران اگرچه گام‌های اولیه خود را آرام و محتاطانه برداشتند؛ ولی در یک سیر صعودی، روز به روز راه ترقی و پیشرفت را طی کردند. البته در برخی از سال‌ها و قرن‌ها نیز دچار ایستایی و رکود گردیدند.

با بررسی سیر تحول اشعار عاشورایی از دهه‌های آغازین سده حاضر با حضور برجسته عاطفه حزن و اندوه در پرداختن به شخصیت امام روبه‌رو هستیم که نتیجه آن غلبه جنبه ماتم‌سرایی و ادبیات بکایی در شعر فارسی است. این روند در دهه‌های پایانی کم‌رنگ‌تر شده، شاعران به مرور زمان نگاه حماسی را در اشعار خود منعکس می‌کنند. پرداختن به شخصیت حضرت زینب علیها السلام به عنوان عضوی از مجموعه زنان حاضر در کربلا و یا شخصیتی مستقل، جایگاه ویژه‌ای دارد. شجاعت، دلاوری، سخنوری و بلاغت بیش از دیگر صفات در شعر عاشورایی تجلی یافته است و شخصیت برتر و مبارز زینب علیها السلام را به تصویر کشیده است. درباره شخصیت امام سجاد علیه السلام، بیماری، اسارت در کنار ایمان و مقام روحانی و معنوی حضرت نیز سخن گفته‌اند. شاعران درباره حضرت عباس علیه السلام، به توصیف ظاهری ایشان پرداخته‌اند. شاعران در مورد عطش، اغلب با عاطفه حزن، تصاویری دردناک و متأثرکننده از تشنگی ترسیم کرده‌اند.

واژه شهادت و مرگ در قاموس لغت شاعران به کار رفته است و مفهوم شهادت با هاله‌ای از تقدس همراه است و به جهت اسلام و قرآن است؛ زیرا مرگ در راه خدا، ارزش تلقی شده است و شهدا دارای مدارج عالی معنوی‌اند. نگاه عارفانه و عاشقانه به عاشورا، شخصیت‌ها و حوادث آن یکی از نمودهای برجسته در شعر عاشورایی است. عشق در تعبیر و تصاویر با تفصیل و دقت بیشتری مطرح شده است و دامنه وسیعی از موضوعات را شامل می‌شود.

روند استفاده از نمادهای عاشورایی، نشان از حضور برجسته و پُررنگ آن در جریان مبارزات مردمی برای انقلاب و به ویژه پیروزی انقلاب اسلامی و حوادث پس از آن دارد. این روند را در جهت قوت‌گرفتن شعر عاشورایی در ایران، همچنین بروز حوادثی که از یک سو تداعی‌گر خون، حماسه و رشادت کربلائیان بود و از سوی دیگر، مصیبت‌ها و دردهای آنان را در اذهان زنده می‌کرد، می‌توان تحلیل کرد. دوگانگی حوادث عاشورا و همراهی تراژدی و حماسه در آن باعث شده است تا عاشورا در شعر فارسی، گاه به عنوان نماد حزن، اندوه، مصیبت و درد به کار رود و گاه نماد مبارزه، قیام، مقاومت و ظلم‌ستیزی باشد.

تنوع قالب‌های شعری در زبان فارسی باعث شده است شعر عاشورایی از غنای قالبی برخوردار گردد. در زمینه استفاده از اوزان و بحور عروضی، شاعران عاشوراسرای از قابلیت‌های بحرهای گوناگون بهره بردند و به بحر و وزن خاصی اکتفا نمودند. آنان برای بیان حزن و اندوه، گاه وزن عروضی رمل را که از نرمی و لطافت برخوردار است، مناسب می‌یابند و یا برای اشعار حماسی خود بحر طویل را برمی‌گزینند که از قوت، استحکام و تفخیم برخوردار است. یکی

دیگر از ویژگی‌های زبان‌شناختی شعر عاشورایی، استفاده از ردیف در اشعار است. ردیف در کنار قافیه، نقش برجسته‌ای در هم‌آوایی ابیات شعر ایفا می‌کند. متأسفانه در اشعار شاعران معاصر، تحریف‌هایی نیز در انگیزه‌ها، اهداف و چهره‌های حماسه‌ساز و برنامه‌های مربوط به عاشورا انجام شده است. نیز سخن آخر افسوسی است که باید بر شیعیان امام حسین علیه السلام خورد که در طول تاریخ بیشتر بر مصائب عاشورا گریستند تا در مسائل آن بیندیشند. اصل در عاشورا، حماسه است و عبرت نه فقط تراژدی. اگر حماسه و عبرت را اصل بگیریم، حاصل آن تن‌ندادن به ذلت و زور در برابر یزیدیان و مبارزه، حریت، عزت، ستم‌ستیزی و شهادت است و نتیجه آن اسلام حماسه و عزت می‌باشد؛ ولی اگر در عاشورا فقط تراژدی را اصل بگیریم، به حقیقت و روح عاشورا دسترسی نیافته‌ایم.

منابع

- * قرآن کریم.
۱. ابن اثیر، عزالدین علی بن احمد بن ابی الکرام؛ **التکامل فی التاریخ**، بیروت: دار صادر، ۱۹۶۶م.
 ۲. ابن شهر آشوب مازندرانی، ابوجعفر رشیدالدین محمد بن علی؛ **مناقب آل ابی طالب**؛ قم: انتشارات علامه، ۱۳۷۶ق.
 ۳. ابومخنف، لوط بن یحیی؛ **مقتل الحسین**؛ تحقیق حسین غفاری؛ قم: [بی‌نا]، ۱۳۹۸ق.
 ۴. —؛ **وقعة الطف**؛ قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۸.
 ۵. بلاذری، احمد بن یحیی؛ **انساب الاشراف**؛ تحقیق محمدباقر محمودی؛ چ ۱، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۳۹۷ق.
 ۶. تابع، محمد علی؛ **گلزار شهیدان**؛ تهران: انتشارات کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۷۰.
 ۷. حکیمی، محمدرضا؛ **عاشورا مظلومیتی مضاعف**؛ قم: انتشارات دلیل ما، ۱۳۸۱.
 ۸. —؛ **قیام جاودانه**؛ قم: انتشارات دلیل ما، ۱۳۸۲.
 ۹. خرمشاهی، بهاء‌الدین؛ **گزینہ اشعار گرمارودی**؛ تهران: انتشارات

مروارید، ۱۳۸۰.

۱۰. سنگری، محمدرضا؛ نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس؛ تهران: نشر پالیزان، ۱۳۸۰.
۱۱. صفا، ذبیح‌الله؛ تاریخ ادبیات در ایران؛ تهران: انتشارات فردوسی، ۱۳۶۳.
۱۲. طبری، محمدبن جریر؛ تاریخ الامم والملوک (تاریخ طبری)؛ بیروت: چاپ محمد ابوالفضل ابراهیم، ۱۳۸۲.
۱۳. طوسی، محمدکاظم؛ پرتوی از حیات؛ مشهد: نشر طوسی، ۱۳۶۸.
۱۴. کسائی مروزی، مجدالدین اسحاق؛ گزیده اشعار کسائی؛ به انتخاب و شرح دکتر جعفر شعار؛ تهران: چاپ و نشر بنیاد، ۱۳۷۰.
۱۵. کوفی، ابن اعثم؛ الفتوح؛ حیدرآباد دکن: [بی‌نا]، ۱۳۹۵ق.
۱۶. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، تهران: مکتبه الاسلامیه، ۱۳۶۲.
۱۷. محمدزاده، مرضیه؛ دانشنامه شعر عاشورایی؛ تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۳.
۱۸. مفید، محمدبن محمدبن نعمان؛ الارشاد؛ ترجمه محمدباقر ساعدی خراسانی؛ تهران: کتابفروشی اسلامی، ۱۳۵۱.
۱۹. میرزاده (م. آرم)، نعمت؛ لیلۃ القدر؛ تهران: انتشارات روشناوند، ۱۳۵۷.
۲۰. نویری، شهاب‌الدین احمد؛ نهاية الارب فی فنون الأدب؛ ترجمه محمود مهدوی دامغانی؛ تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۵.